

روابط بین الملل

«رویکردی دینی و تمدنی»

نویسندگان:

دکتر امانی صالح

دکتر عبدالخبیر عطا محروس

مترجم: وحید مرادی

رئیس کار و مالک صادق

همه حثوة، محفوظ و متعلق به ناشر است.

این اثر ترجمه‌ای است از:

این اثر ترجمه‌ای است از:

امامی صالحی - آیت عہد الخیر علیا محروس الطائفت الدولیة (البحر الدینی و الفضل)

بازار فکر - کشور - برآمدگی ۲۰۰۸

سرشناسیہ: صالح، احانی

Salih, Amani

عنوان قراردادای: العلاقات الدولية: البعد الديني والحضاري. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: روابط بین‌الملل / پرویز کردی دینی و تمدنی / نویسندگان املنی صالح،

عبدالخير عطا محروس : مترجم وحيد مرادى

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهري: ۱۸۰ ص ۵/۲۱ × ۵/۱۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۴۵-۶; ۴۰۰۰ ریال

وضعت فهرست نویسنده: فیفا

موضوع: اسلام و فرهنگ

موضوع: اسلام و روابط بین الملل

ستاره افروزه: محروم و عبدالحی عطا

Mahrus, Abd al-Khabir Ata: شناسه افزوده

تشیاسه افزوده: مرادی، وحید، ۱۳۶۶ -، مترجم

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

BP۲۳۰/۸۰۴۱۶۱۷، ص ۱۳۹۰، کنگره (مبند).

۳۸۲/۳۹۷ : ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷

شماره کتابخانه : ۴۷۵۹۸۲

فهرست مطالب

۹	 سخن ناشر
۱۱	 پیشگفتار
۳۰	 یادداشت‌ها
۳۱	 مقدمه
۳۷	 یادداشت‌ها
۳۹	 فصل ۱. مفهوم امت و ابعاد آن
۴۱	 ابعاد بنیادین (مفهوم) امت
۴۲	 ابعاد وعناصر مفهوم امت
۴۷	 امت به منزله «سطح تحلیل» در روابط بین‌الملل
۴۷	 عقیده و امت
۵۰	 منابع شکل‌گیری امت:
۵۳	 امت و مسیر تاریخی آن
۵۹	 مزایا و معایب بکارگیری مفهوم امت به منزله سطح تحلیل در روابط بین‌الملل
۶۵	 اشکالات بحث
۷۱	 کارویژه تحلیلی مفهوم امت: الگوهای توصیف، تفسیر، پیشگویی
۷۴	 ابعاد نظریه اسلامی در شکل‌گیری و مراحل تطور امت‌ها

دیدگاه قرآن در شکل‌گیری و تحول امت‌ها	۷۹
نکات نظریه قرآنی	۸۱
خاتمه	۸۶
یادداشت‌ها	۸۸

فصل ۲ بعد دینی در مطالعه روابط بین الملل (پژوهشی در تحول زمینه‌ها)..... ۹۱

مقدمه	۹۱
مسئله تحقیق	۹۴
مبحث اول: مراحل تحول علم روابط بین الملل	۹۵
یک: مرحله آرمان‌گرایی	۹۷
دو: مرحله واقع‌گرایی	۹۷
سه: مرحله رفتارگرایی	۹۸
چهار: مرحله فرار رفتارگرایی	۱۰۰
پنج: مرحله پس از جنگ سرد	۱۰۱
۱. ایجاد نظام تک قطبی در جهان	۱۰۱
۲. رقابت اقتصادی به منزله معیار قدرت	۱۰۲
۳. ماهیت جهانی برخی معضلات جامعه بین الملل معاصر	۱۰۳
۴. تعدد مجاری اصلی اشاعه فرهنگ جهانی	۱۰۳
یک- مفهوم جهانی شدن	۱۰۵
دو- پایان تاریخ	۱۰۹
سه- برخورد تمدن‌ها	۱۱۱
مبحث دوم: چارچوب‌های معرفت‌شناختی در مطالعه روابط بین الملل	۱۲۰
مرحله اول: پیش از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م)	۱۲۲
یک- انقلابیون	۱۲۲

دو- عقل گرایان	۱۲۳
سه- واقع گرایان	۱۲۴
مرحله دوم: پس پایان جنگ جهانی اول تا کنون	۱۲۷
یک- پارادایم آرمان گرا	۱۲۸
دو- پارادایم واقع گرا	۱۳۰
سه- پارادایم جهان گرا	۱۳۴
بحث سوم : جایگاه رویکرد دینی در مطالعه روابط بین الملل	۱۳۶
جایگاه رویکرد دینی در ادبیات غربی	۱۳۷
استنلی هافمن	۱۳۸
جوزف نای و آرتور شلزیگر	۱۳۹
ارنست هاس	۱۳۹
الگوهای مبتنی بر پارادایم دینی	۱۴۲
یک- الگوی صهیونیستی	۱۴۳
دو- الگوی مسیحیت بنیادگرا	۱۴۸
سه- الگوی اسلامی	۱۵۱
محورهای مطالعه روابط بین الملل در چارچوب رویکرد اسلامی	۱۵۳
یک- محیط روابط بین الملل و اهداف آن	۱۵۳
واحد‌های اصلی تعامل در روابط بین الملل و سطوح مختلف آن	۱۵۸
تقسیم بندی تجربی	۱۶۱
رویکرد دینی و آینده علم روابط بین الملل	۱۶۲
یادداشت ها	۱۶۷
نمایه ها	۱۷۹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد. که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و به‌رمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله)

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

برنامه گفتگوی تمدن‌ها در آوریل ۲۰۰۲م در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی آغاز به فعالیت کرد. به استناد دورنمای علمی برنامه گفتگوی تمدن‌ها، این برنامه دارای اهداف و انگیزه‌هایی است که در ذیل بدان‌ها اشاره خواهد شد:

۱. مطالعه نظری موضوع برنامه «روابط میان تمدن‌ها» به منظور جای دادن آن میان نظریات موجود در شاخه‌های مختلف علوم سیاسی و تبیین جنبه‌های اشتراک و افتراق این نظریه با دیگر علوم اجتماعی. گفتنی است که اهتمام دوباره به ابعاد فرهنگی/تمدنی و به تبع آن پرداختن به ابعاد ارزشی با منابع مختلف (از جمله ادیان)، از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریات غربی موجود به شمار می‌رود که اشتراکات فراوانی با نظریات تمدنی همچون نظریات اسلامی دارد.
۲. پیگیری و تحلیل مکاتب نظری و رویکردهای مختلف فکری (ملی‌گرا، لیبرال، اسلامی) و ارائه خلاصه‌ای جامع و تطبیقی از منابع کلیه مکاتب و رویکردهای موجود، در راستای ریشه‌یابی مفاهیم تمدن، گفتگو و کشمکش جهت‌دستی به درکی عمیق‌تر از روابط میان تمدن‌ها و به تبع آن رد یا قبول ایده گفتگوی تمدن‌ها و جایگزین‌های مطرح برای این تفکر.

۳. رصد اقدامات عملی مطرح در فضای گفتگوی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان - در خلال دهه گذشته - و ارزیابی ابزارهای مناسب جهت

اجرائی نمودن ایده گفتگوی تمدن‌ها در عرصه‌های عمومی و خصوصی (در سطح سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و سازمان‌های غیر رسمی بین‌المللی و ملی). لازم به ذکر است که مفهوم گفتگو می‌تواند دارای مراتب و سطوح متعددی همچون رسمی و غیر رسمی، جهانی، منطقه‌ای و مناسب با موضوعات مورد بحث باشد.

۴. طرح سناریوهای متعدد جهت ورود به «گفتگو» از منظر مصر، جهان عرب و جهان اسلام با دیگر حوزه‌های فرهنگی (اسلامی یا غربی و شرقی). مدیعی است که طرح یک سناریوی واحد سبب توجه با ماهیت دیگر بازیگران - نیازمند ترسیم عناوین و اولویت‌های گفتگو و حواشی آن، مبتنی بر خواسته‌ها و نیازهای حوزه‌های معین (عربی و اسلامی) در گفتگو با دیگر حوزه‌های تمدنی (اروپایی، آمریکایی، روسی، ژاپنی، چینی، هندی ...) است.

۵. مطالعه ابزارها و طرق مختلف تحقق اتحاد و همکاری میان سازمان‌های عربی و اسلامی مسئول پروژه‌های «گفتگو با دیگران» همچون اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی از یک سو و برجسته‌ترین کشورهای منادی گفتگو از جمله مصر، ترکیه و ایران که مسئولیت پروژه‌های ملی گفتگوی برون تمدنی (با دیگر تمدن‌ها) و درون تمدنی (به عنوان مثال گفتگو اعراب و ایران و گفتگوی ترکیه و اعراب) را بر عهده دارند.

تحقق اهداف و انگیزه‌های از پیش تعیین شده برای این پروژه در پرتو کلیه ملزومات و نیازهای فضای علمی و جهان مدرن - که اهتمام مجدد به ابعاد دینی، فرهنگی و تمدنی یا به عبارت بهتر ابعاد ارزشی و غیرمادی در تحولات بشری و تغییرات جهانی را به همراه آورد - با مد نظر قرار دادن اقدامات پنجگانه فوق جهت بررسی تئوریک ارتباط میان دین، فرهنگ و تمدن

آغاز گردید. اگرچه این امر، هدف غایی پروژه به شمار نمی‌رفت اما می‌توانست گامی موثر در جهت تاسیس مطالعات تمدنی در علوم سیاسی، که از منظر مباحث تمدنی به مطالعه سیاست در ابعاد داخلی و خارجی می‌پردازد، قلمداد گردد.

پروژه «بررسی تنوریک» در حقیقت سرآغاز پروژه‌های مطالعات جمعی در برنامه گفتگوی تمدن‌ها بود. این پروژه که در حدود دو سال و نیم به طول انجامید (فوریه - اوت ۲۰۰۳م) با تشویق‌های مکرر دکتر «منی ابوالفضل» استاد مطالعات تمدنی در حوزه علوم سیاسی و بنیانگذار کرسی مطالعات تمدنی در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره آغاز گردید. وی همچنین بر عملیات تدوین برنامه کاری پروژه و برگزاری جلسات نظارت داشته و با همکاری دکتر «نادیه محمود مصطفی» مدیریت و ریاست جلسات مذکور را بر عهده داشت.

در این پروژه، علاوه بر اساتید ثابت، از دیگر اساتید متخصص به منظور ارائه مباحث تخصصی در نشست‌های «وره‌ای دعوت به عمل آمده بود که از جمله آنها می‌توان به: دکتر «علا ابوزید» قائم مقام برنامه، دکتر «السید عبدالمطلب غانم» استاد نظریات سیاسی، دکتر «مصطفی موجود» استاد اندیشه سیاسی و دکتر «عبدالغفار رشاد» استاد نظام‌های تطبیقی اشاره کرد. همچنین اساتیدی همچون دکتر «رقیه العلوانی»، دکتر «سیف الدین عبدالفتاح» و دکتر «حسن وجیه» نیز در کارگروه مطالعاتی پروژه مشارکت داشتند. افزون بر این، برخی دانشجویان و پژوهشگران در زمینه‌های فرهنگی و تمدنی علوم سیاسی به عنوان دستیار در مباحث شرکت داشتند که از جمله آنها می‌توان: «مدحت ماهر»، «امانی غانم»، «مروه عیسی»، «احمد خطاب» و «علا عبدالحفیظ» را نام برد.

در مجموع می‌توان گفت: پروژه برنامه گفتگوی تمدن‌ها، در حقیقت یک پروژه مطالعاتی منسجم با حضور جمعی از کارشناسان و شرکت‌کنندگان صاحب‌نظر بود؛ که در طول یک دوره زمانی معین فضایی را برای تبادل آراء و هم‌اندیشی پیرامون مباحث و نظریه‌های مختلف در این زمینه فراهم آورد.

بدیهی است که کیفیت موضوع پروژه مستلزم چنین روشی از کنش و واکنش تحقیقاتی و مطالعاتی بود. از سوی دیگر، شوق و اشتیاق اساتید و شرکت‌کنندگان این پروژه باعث خلق تجربه‌ای متمایز در میان اساتید علوم سیاسی مصر و همچنین سرایت آن به دیگر حوزه‌های علوم انسانی از قبیل مطالعات اسلامی، فلسفه، علوم اجتماعی، تاریخ و فلسفه تمدن‌ها گردید.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که متناسب با تنوع قضایا و اشکالات طراحی شده در تحقیقات اولیه پروژه، سطوح تعامل نیز در طول مراحل شکل‌گیری و رشد پروژه دائماً در حال تغییر و هماهنگی بود، بگونه‌ای که مراحل مختلف این پروژه به ترتیب زمانی عبارتند از:

مرحله افتتاحیه (فوری-ژوئن ۲۰۰۳)

این مرحله با تدوین برنامه کاری پروژه توسط دکتر نادیه مصطفی در اولین جلسه کاری با حضور دکتر منی ابوالفضل، دکتر امالی صالح و دکتر علا ابوزید آغاز گردید. در این برنامه کاری مباحثی پیرامون نقاط آغازین طرح، کیفیت روش‌شناختی مطالعات، محورها و موضوعات مورد بحث و ماهیت محصول نهایی به تصویر کشیده شده بود.

نقاط آغازین:

آگاهی از این نکته ضروری است که تحقیق و پژوهش در مطالعات تمدنی فی‌الذمه نمی‌تواند غایت این پروژه مطالعاتی باشد، بلکه تلاش برای طرح این مسئله در قالب علوم سیاسی، با استعانت از دیگر تخصص‌ها، بگونه‌ای که شرایط برقراری ارتباط میان مطالعات تمدنی در قالب علوم

سیاسی با مسئله گفتگو یا کشمکش تمدن‌ها که موضوع اصلی برنامه نیز بود، فراهم آید. بنابراین، مطالعات تمدنی تطبیقی دارای ابعاد مختلفی است؛ که از جمله آنها، می‌توان به بررسی روش‌های تعامل وابستگان به تمدن‌های موجود و عوامل موثر بر آن در طول تاریخ اشاره کرد. اما آنچه که مدنظر ما به عنوان پژوهشگران علوم سیاسی می‌باشد، عبارت است از: چگونگی استفاده از این مطالعات در وارد نمودن مطالعات تمدنی به حوزه علوم سیاسی؟ و همچنین، چگونگی توسعه الگوی مطالعات تمدنی با ابعاد تمدنی و فرهنگی در علوم سیاسی در قبال دیگر ابعاد اقتصادی، نظامی و ... ؟

به عبارت دیگر، ما در این پروژه به دنبال یافتن پاسخی برای سوالات زیر هستیم:

چه چیز عامل تمایز ما با دیگر متخصصان در حوزه‌های مختلف علم انسانی است که به مطالعه و تحقیق پیرامون روابط میان تمدن‌ها می‌پردازند؟ آیا حوزه مطالعات تمدنی متعلق به علم تاریخ، جامعه‌شناسی و فلسفه است یا علوم سیاسی نیز باید در این زمینه نقش موثری ایفا نماید؟ چگونه می‌توان میان این نقش با دیگر تخصص‌ها ارتباط برقرار نمود؟ علت برجستگی این نقش در دوران بازنگری کنونی در علوم سیاسی چیست؟

به این ترتیب، هدف این پروژه مطالعاتی را می‌توان تبیین چگونگی تبدیل مطالعات تمدنی به عنوان عرصه‌ای جدید در مطالعات سیاسی معرفی کرد. بدیهی است که این امر نیازمند تبیین مواضع بعد تمدنی و مطالعات تمدنی در قبال دیدگاه‌ها، الگوها و نظریات این رشته در مرحله حاضر تحول علم از سوی متخصصان رشته‌های مختلف علوم سیاسی است. باید توجه داشت که مرحله حاضر، در حقیقت مرحله جدال پیرامون دلایل، توجیهات و اشکال اهتمام به ابعاد فرهنگی و تمدنی و تاثیر آن در کنش‌ها و واکنش‌های

سیاسی (داخلی - خارجی) به شمار آمده و این بعد را نمی‌توان به عنوان یکی از عوامل تفسیر یا ابزاری برای مدیریت سیاست‌ها به حساب آورد.

بدون شک گرایش‌های موجود در این جدال با اختلاف در قالب‌های معرفتی و چارچوب‌های نظری تغییر خواهد کرد. به عنوان مثال: در شرایطی که برخی به دلیل گرایش به حوزه‌های معرفتی غیر از علوم سیاسی مخالف عامل تمدنی و نقش آن هستند؛ گروهی دیگر بر این باورند که الگوی تمدنی کارگشای بسیاری از مسائل موجود در علوم سیاسی می‌دانند. به اعتقاد ایشان، با انفصال علوم سیاسی از تاریخ، جامعه‌شناسی، فلسفه و ... باید در اصطلاح علوم سیاسی تشکیک نمود؛ این در حالی است که وارد نمودن الگوی تمدنی در علوم سیاسی می‌تواند از یک سو به جدایی تاریخ، جامعه‌شناسی و فلسفه از علوم سیاسی پایان داده و از سوی دیگر، سبب راه‌یابی چارچوب‌های معرفتی ناهمگون و مواضع آنها در قبال صنعت تمدن می‌گردد؛ زیرا حوزه مطالعات تمدنی مجموعه‌ای به هم پیوسته از قالب‌های معرفتی ناهمگون (اسلام و طبیعت‌گرایی) و ورودی‌های مختلف (فلسفی، تاریخی ...) است.

بطور خلاصه می‌توان گفت: این پروژه با مختصات بیان شده، نیازمند محوری مقدماتی برای استقرار حوزه مطالعات تمدنی در رشته علوم سیاسی است که در تلاش برای تدوین الگوی تمدنی در مطالعه علم سیاست می‌باشد. پس از راه‌یابی ابعاد تمدنی در میان گرایش‌های مختلف علوم سیاسی، آغاز عملیات بررسی تئوریک مسئله‌ای ضروری به نظر می‌رسد که در ادامه به کیفیت روش‌شناسی و محورهای آن اشاراتی خواهد شد: بررسی تئوریک در حقیقت هم می‌تواند قرائتی باشد انتقادی در ادبیات متعلق به ارتباطات تمدنی یا مطالعات تمدنی دیگر حوزه‌ها که در گستره علم فلسفه، تاریخ و اندیشه جای دارد و هم ادبیاتی برای مطالعه الگوهای فکری مختلف، از سوی دیگر،

محورهای این قرائت تطبیقی در سه مجموعه مفاهیم، ارتباطات و عملیات، بازیگران خلاصه می‌گردد که به شرح زیر می‌باشد:

مجموعه اول (مفاهیم):

تأثیر دین در فرهنگ و تمدن، تفاوت میان فرهنگ و تمدن: اهمیت سبیل‌های تمدنی، الگوهای تمدنی: پایه‌های شکل‌گیری، ویژگی‌ها و مبانی.

مجموعه دوم (ارتباطات و عملیات‌ها):

الگوهای ارتباط میان تمدن و فرهنگ‌ها (گفتگو، کشمکش، برخورد، آشنایی، شناساندن، نفوذ و فیلتر فرهنگی)، مفهوم گفتگو: انگیزه‌ها، اهداف، شروط، ابزارها و الگوها، مفهوم کشمکش: انگیزه‌ها، اهداف، شروط، ابزارها و الگوها.

مجموعه سوم (بازیگران):

ارتباط میان من و دیگران: نظریات و دیدگاه‌های موجود در قالب‌های معرفتی نامتقارن و الگوهای ناهمگون (کثرت‌گرایی، سلطه)، آخرین اندیشه‌ها و جنبش‌های اصلاح‌طلب در ادیان آسمانی ثلاثه.

باید خاطر نشان ساخت که مضمون برخی از محورهای مورد بحث منجر به طرح اشکالات مهمی گردید که از جمله آنها می‌توان به محور ارتباط من و دیگران اشاره نمود. سوالات مطرح در این محور عبارتند از:

- آیا «دیگران» همواره دارای اختلافات مذهبی و دینی با من هستند یا می‌توانند دارای اشتراکاتی در این زمینه باشند؟ آیا دیگران دین را به منزله روشی متعالی در زندگی می‌نگرند یا همچون روشی دنیایی و ساخته دست بشر؟ آیا دیگران تمدن غربی و من تمدن اسلامی هستم؟ ارتباط من و دیگران در چه سطحی است: فرد/جماعت (امت)، اجتماعی/دینی، معرفتی/بشری، طبیعی/مقدس؟

- الگوی ارتباط من با دیگران چگونه است: کثرت‌گرا/سلطه جویانه، جذبی/دفعی، توده‌ای/برتری جویانه؟

- آیا تمسک به دوگانه (من و دیگران) علی‌رغم فقدان صلاحیت کافی و تاثیرپذیری از تفکر سلطه جویانه غرب بر دیگران، ضروری است؟ یا این تقسیم‌بندی رایج و سنتی نیازمند قرائتی انتقادی است که در پرتو قالب‌های معرفتی ناهمگون و الگوهای تاریخی به توضیح روابط سلطه میان تمدن‌های اسلامی و غربی در خلال مراحل و دوران مختلف بپردازد؟

در خلال مرحله افتتاحیه پروژه که مدت ۴ ماه به طول انجامید، جلسات مقدمات (هشت جلسه) برگزار گردید که طی آنها موضوعاتی از قبیل مسائل و مشکلات معرفتی، روش‌شناختی و تئوریک در این حوزه به نقد و بررسی گذاشته شد که ذیلاً بدان‌ها اشاره خواهد شد:

- اهتمام به حوزه تمدنی در علوم سیاسی در پرتو تغییرات اساسی در نظام جهانی و ظهور پدیده‌های جدید؛ زیرا چارچوب‌های فکری موجود (تجدد طبیعی) قادر به ارائه تفاسیر کامل و قابل قبولی از وضعیت موجود نبوده و از سوی دیگر اهتمام به اسالیب جدید و توجه به جنبه‌های ارزشی و غیرمادی در تفسیر پدیده‌های جدید به شدت احساس می‌گردد.
- ارتباط میان مقوله دین و مقوله‌های فرهنگ و تمدن.
- تفاوت میان حوزه مطالعات تمدنی و الگوی تمدنی.
- دلایل گفتگو و کشمکش میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، وظیفه الگوهای فکری ناهمگون و اختلافات موجود پیرامون موضع عقل نسبت به علم و موضع ارزش‌ها نسبت به عقل و علم در این مسئله. همچنین مسئولیت برقراری توازن میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، گستره

دخالت عوامل دینی فرهنگی تمدنی و الگوهای بکارگیری سیاسی آنها.

▪ جایگاه مطالعات و تحقیقات در مرحله اجرایی برنامه گفتگوی تمدن‌ها در خلال سال‌های آتی.

گفتنی است که به دلیل حجم، تعدد و تنوع بالای مباحث مطرح شده پیرامون موضوعات فوق در خلال جلسات مقدماتی، امکان ارائه گزارشی کامل از آنها در این مجال نمی‌باشد، اگرچه اشاره به این نکته ضروری است که مباحث مطرح شده در نهایت به انعقاد توافقنامه‌ای جهت راه‌اندازی یک پروژه‌ای مطالعاتی به این منظور انجامید.

اجزای پروژه مطالعاتی به هفت محور تقسیم می‌گردد:

- محور اول با عنوان: گفتگو (مبانی معرفتی، ابزارها، اهداف و انگیزه‌ها) که دربردارنده سه پژوهش مجزا با عنوان «نظریه اجتماعی معاصر: بسوی الگوی توحیدی در اصول نظریه پردازی و انگیزه‌های جایگزین» دکتر منی ابوالفضل، «اسلوب گفتگو، انگیزه‌ها، اهداف، شروط، ابزارها و الگوها» دکتر امیمه عبود و «الگوهای انتقال افکار و ابزارهای آن، بررسی ارتباط و دلایل: مطالعه موردی ارتباط میان جهان غرب و اسلام» دکتر سلیمان خطیب می‌باشد.
- محور دوم با عنوان: «مفهوم گفتگو در یهودیت و مسیحیت» که در بردارنده پنج مطالعه موردی با در موضوعات مختلف است. این موضوعات عبارتند از: «مفهوم دیگران نزد جماعات یهودی معاصر» دکتر رقیه علوانی، «مفهوم دیگران در ادیان توحیدی» و «مفهوم دیگران در مسیحیت کاتولیک» دکتر کریستین فان نسن، «مفهوم دیگران در مسیحیت مصر» استاد سمیر مرقس، «موضع مسیحیت انجیلی (پروتستان) نسبت به دیگران» دکتر اکرام لمعی.

- محور سوم با عنوان: «من و دیگران از منظر قرآن» و ارائه مقاله‌ای در این موضوع توسط دکتر سیر عمر.
 - محور چهارم با عنوان: «فرهنگ و تمدن، نزدیکی میان تفکر غربی و اسلامی» شامل: «فرهنگ و تمدن از منظر اسلام» دکتر فوزی خلیل، «فرهنگ، تمدن و دین: ارتباط مفاهیم در تفکر غربی» استاد فؤاد سعید.
 - محور پنجم با عنوان: «روابط بین الملل: بعد دینی و تمدنی» شامل: «بعد دینی در مطالعه روابط بین الملل» دکتر عبدالخبیر عطا، «بکارگیری مفاهیم تمدنی در تحلیل سیاسی: امت به منزله سطحی در تحلیل روابط بین الملل» دکتر امانی صالح.
 - محور ششم: در بردارنده نوشتاری تحت عنوان «گفتگوی تمدن‌ها، مدیریت سازوکارها و سناریوهای متنازع» دکتر حسن وجیه.
 - محور هفتم که آخرین مرحله این پروژه مطالعاتی به شمار می‌آید با تحقیقی تحت عنوان «جهانی‌شدن و اسلام: دو نگاه متفاوت به جهان» دکتر سیف الدین عبدالفتاح خاتمه می‌یابد.
- علاوه بر توافقات ایجاد شده در نتیجه نشست‌های مقدماتی، نتایج دیگری نیز بر این جلسات مرتبط گردید که از جمله آنها می‌توان به تعیین اهداف، غایات و الگوی روشی عام جهت تاکید بر موضوع ارتباط میان پروژه مطالعاتی و الگوهای متعدد روابط میان تمدن‌ها در شرایط تاریخی کنونی- خواه برای اغراض سیاسی عملی متعلق به روابط غرب و جهان اسلام و خواه جهت اهداف معرفتی و فکری متعلق به مراجعه موجود در الگوی معرفتی علوم اجتماعی و انسانس موجود در تجدد، سکولاریسم و طبیعت‌گرایی- اشاره داشت.

مهم‌ترین قواعد عمومی ابعاد پروژه و اهداف آن:

ضرورت آگاهی از روابط موجود میان حوزه‌های سه‌گانه بعد تمدنی و قرار دادن آن در هریک از این سطوح:

▪ حوزه اول: بررسی وضعیت بعد تمدنی/ فرهنگی در علوم اجتماعی بطور عام و علوم سیاسی بطور خاص، بصورت محدود یا گسترده، بگونه‌ای که نقشه متکاملی از ابعاد این وضعیت ترسیم گردد.

▪ حوزه دوم: بررسی موضوع بررسی حوزه مطالعات تمدنی و توسعه الگوی تمدنی در علوم سیاسی.

▪ حوزه سوم: بررسی وضعیت اهتمام به بعد تمدنی و ارتباط آن با حوزه و موضوع گفتگوی تمدن‌ها.

در این بخش، دکتر منی ابولفضل سعی در برقراری ارتباط میان حوزه‌های سه‌گانه فوق می‌نماید:

«در شرایط کنونی نهادهای ساختن مطالعات تمدنی در رشته علوم سیاسی نمی‌تواند راه‌کار اساسی برای حل مشکل مذکور قلمداد گردد، بلکه افزودن بر غنای الگوی علوم سیاسی نسبت به اهمیت بعد تمدنی از مهم‌ترین امور در این زمینه محسوب می‌گردد. اگرچه این مهم جز در سایه مراجعه به الگوی تمدنی امکان پذیر نخواهد بود، اما باید توجه داشت که مراجعه مذکور کاملاً نوینیاد نبوده بلکه هنوز سنت‌های به‌جامانده‌ای از دکتر حامد ربیع در دست است که می‌توان در این مسیر از آن استفاده نمود. امروزه ما برخوردار از برخی الگوهای اساسی جهت مبارزه با مسیر وضعیت مکتب آمریکایی هستیم، این در حالی است که دکتر حامد ربیع در آغوش تمدن اروپایی پرورش یافت و اسلام تمدنی را در خلال مطالعات خویش در یکی از شهرهای ایتالیا کشف کرد. پس از اقدامات دکتر حامد ربیع در حوزه نظریه و تفکر، نقش نظام در تعامل با نظام‌های عربی از منظر تمدنی، و نه مکتب آمریکایی، توسط دکتر

منی ابوالفضل مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب، اکنون برای مطالعه سیاست دارای مجموعه‌ای از اصول نظری و روشی هستیم که در تلاش برای رسیدن به روابط بین‌المللی از رشته‌ای به رشته‌ای دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. الگوی تمدنی در روابط بین‌الملل با نظریات هانتینگتون آغاز شد و او با توسعه تفکرات خود در حوزه نظام‌های تطبیقی، موفق به اشاره تلویحی به موضوع جایگاه دین در تکوین فرهنگی و تاثیر آن در نظام دموکراسی گردید. بنابراین، بررسی بعد تمدنی و الگوی تمدنی نزد غرب تنها مجال اهتمام ما نبوده، بلکه تکامل الگوی تمدنی اسلامی از دیگر وظایف این بخش قلمداد می‌گردد؛ زیرا پیش از این در الگوی غربی بصورت تلویحی اشاراتی به بعد تمدنی گردیده بود. از این گذشته، علوم سیاسی در مقایسه با دیگر حوزه‌های معرفتی با تاخیر بیشتری موفق به ادراک بعد تمدنی گردیده است.

زمانیکه من از الگوی تمدنی سخن می‌گویم در حقیقت تنها الگوی اسلامی مد نظر نمی‌باشد، بلکه هدف من آگاهی نسبت به بعد تمدنی در مطالعات سیاسی و رجوع به الگوی اسلامی به هنگام پژوهش علمی است. در این صورت مداخل بحث لزوماً دینی نبوده و می‌تواند دارای ماهیت مادی و تمدنی نیز باشد. اگرچه این شیوه در غرب کاملاً مرسوم است، اما ما مسلمانان با تعبیر متفاوتی از آن یاد می‌نمائیم. به این ترتیب، اهمیت بررسی الگوی تمدنی (اسلامی یا غیراسلامی) نمایان گردیده که در واقع به معنای نهاده‌سازی آن برای جهانیان و نه تنها اسلام و مسلمانان است.

پیرامون جایگاه پروژه مطالعاتی در گستره مباحث علمی برنامه گفتگوی تمدن‌ها و ارتباط آن با بعد تمدنی در علوم سیاسی و اجتماعی از یک سو و الگوی تمدنی علوم سیاسی از سوی دیگر، دکتر نادیه مصطفی به تبیین نکاتی می‌پردازد که ذیلاً بدان‌ها اشاره می‌گردد:

۱. غایت پروژه مطالعاتی عبارت است از بررسی تئوریک ارتباط میان فرهنگ، تمدن و دین در راستای مطالعات گفتگوی تمدن‌ها، از این حیث که سعی در وارد نمودن پاره‌ای مفاهیم بدون پرداختن به الگوهای نظری دارد.

۲. این غایت در ابتدا مآخوذ از علوم سیاسی بوده و در مراحل بعدی نیازمند پرسش و پاسخ پیرامون وضعیت بعد تمدنی (بطور کلی) در علوم سیاسی جهت ایجاد شرایط گفتگوی تمدن‌ها در مطالعات سیاسی معاصر و فهم این مسئله می‌باشد.

۳. از آنجا که بعد تمدنی در دیگر حوزه‌های معرفتی نیز وجود داشته، با مرحله اوج‌گیری مباحث میان رشته‌ای و کم‌رنگ شدن مرزهای میان حوزه‌های یاد شده با عرصه علوم سیاسی، استعانت از بررسی تئوریک موضوعات ارائه شده توسط این علوم ضروری به نظر می‌رسد.

۴. اهتمام به بعد تمدنی در علوم سیاسی و اجتماعی تنها به معنای بررسی الگوی تمدنی اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا بعد تمدنی - حتی با معنای مختلف - نزد دیگر جریانات و رویکردها نیز وجود دارد. علاوه بر این، بررسی تئوریک مطلوب می‌تواند برگرفته از الگوهای تطبیقی بوده و تنها به الگوی اسلامی اکتفا ننماید.

۵. در مقام الگوی تمدنی اسلام نمی‌توان تنها به سخنرانی پیرامون اهمیت و ضرورت این الگو پرداخت، بلکه باید پا را فراتر از این گذارد. در این مرحله است که بررسی تئوریک ارتباط میان تمدن، فرهنگ و دین می‌تواند به عنوان فضایی مناسب برای تبلور الگوی تمدنی اسلام فراهم آید. به این ترتیب، این اقدام از جمله

پشتوانه‌های حوزه مطالعات تمدنی خواهد بود که منشا بسیاری از فعالیت‌ها قرار می‌گیرد.

اسلوب روش‌شناختی کلی

▪ اهمیت مطالعات روش‌شناختی تطبیقی در سطوح آتی: گزاره‌های معرفتی، الگوهای علوم اجتماعی، ادیان و تمدن‌ها.

• ضرورت تمایز میان مطالعات تنوری، فکری و تاریخی به منظور تسهیل در عملیات پژوهشی بدون قطع ارتباط میان حوزه‌های مذکور.

• تمایز میان سطوح مختلف اپیستمولوژی، موضوعات، اقدامات و مفاهیم.

▪ غایت پروژه مطالعاتی تنها قرائت رویکردهای تطبیقی ارائه شده توسط مطالعات تمدنی مختلف نیست، بلکه فراتر از این و در تلاش برای تاسیس حوزه مطالعات تمدنی در گستره علوم سیاسی می‌باشد. این مسئله تنها در حوزه اجتماع، تاریخ و فلسفه خلاصه نمی‌گردد، بلکه حوزه مطالعات تمدنی فی‌النفسه دارای مداخل مختلفی در منابع اصلی کتاب‌های مربوط به تمدن‌هاست که هریک از آنها دارای مداخل خاصی در مطالعات سیاسی نیز می‌باشند. بدیهی است که مشابه چنین حالتی در علوم سیاسی نیز یافت می‌شود، بگونه‌ای که می‌توان ادعا نمود که حوزه مطالعات تمدنی قابلیت شکل‌گیری در منابع مختلف علوم اجتماعی و کتب تمدنی را داراست.

با اعتراف به این که حوزه مطالعات تمدنی محل تلاقی ابعاد تمدنی در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و جامع الگوهای مختلف است؛ همواره متأثر از شرایط زمانی، انسانی و مادی بوده و بر ضرورت تمایز میان پروژه

مطالعاتی پیشرو در تاسیس حوزه مطالعات تمدنی و خود مطالعات تمدنی تاکید می‌نماید.

بنابراین، برنامه گفتگوی تمدن‌ها نیازمند اهتمام به پروژه‌های سه گانه زیر می‌باشد: نظریه، نمونه‌های فکری و نمونه‌های تاریخی که گام‌های تدریجی در گستره بنای این عرصه به شمار می‌آید.

خودداری از اعتماد صرف به روش توصیفی و در مقابل تلاش برای اکتشاف ماهیت مجموعه‌های معرفتی فعال و تاثیر آن در موضوعات و مسائل مرتبط با گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها.

تعامل با ادبیات غالب در حوزه تفکر و مطالعات تمدنی فی‌الذات هدف تلقی نمی‌گردد، اما باید دانست ارائه یک نمونه معیار از طریق بازخوانی و مطالعه الگوهای فکری موجود جهت کشف حلقه مفقوده در این حوزه ضروری است. بدیهی است که الگوی مذکور نمی‌تواند معرف الگوی فکری فوق‌بوده، بلکه تنها قابلیت ارائه چکیده‌ای از محتوای منظومه فکری وابسته به آن را داراست که محیط مناسبی را برای کشف سنت فکری غرب در مقابل الگوی توحیدی فراهم می‌آورد. کلیه امور یادشده در کشف مشترکات موجود میان پیروان تمدن‌های مختلف، تلاش برای بحث پیرامون ارزش‌ها، کشف ریشه‌های الگوی غربی و تبیین گستره دوری و نزدیکی از الگوی توحیدی موثر بوده و کمک‌های فراوانی را به گفتمان گفتگوی تمدن‌ها خواهد کرد. به این ترتیب، تفکیک میان تفکر غربی و الگوهای معرفتی غرب تحقق خواهد یافت.

بدین وسیله، دکتر منی ابوالفضل و نادیه مصطفی به ترسیم قواعد روش‌شناختی عام جهت تفکیک میان حوزه مطالعات تمدنی، نظریه تمدنی و گفتگوی تمدن‌ها مبادرت ورزیدند.

بنابراین، آغاز و اجرای طرح مطالعاتی پروژه با مبادی معرفتی گفتگو که توسط تحقیق خلاصه‌ای برگرفته از تحقیق جامع دکتر منی ابوالفضل کاری پسندیده و منطقی است. لازم به ذکر است که تحقیق جامع دکتر ابوالفضل در اوایل دهه نود قرن بیستم میلادی با عنوان «الگوهای معرفتی مخالف» در حوزه مطالعات تمدنی تطبیقی ارائه گردید.

مرحله تدوین برنامه مطالعاتی و هم‌اندیشی جمعی (اکتبر ۲۰۰۳-ژانویه

(۲۰۰۴)

به منظور اجرای این مرحله که مدت سه ماه به طول انجامید، چهار نشست تخصصی جهت بررسی برنامه مطالعاتی و هم‌اندیشی جمعی برگزار گردید و در خلال آن به بررسی گستره تحقق اهداف و غایات طرح، امکان‌سنجی اجرای قواعد عام روش‌شناختی، میزان سازگاری موضوعات محوره‌ای تعیین شده و هماهنگی در ساختار اصلی پروژه همت گماشته شد. علاوه بر این، در نشست‌های فوق کیفیت بهبود روش‌شناختی هر تحقیق، چگونگی بهره‌گیری هریک از پروژه‌ها از منابع متنوع، ترسیم نقشه‌های فکری و ارائه دیدگاه‌های انتقادی، سازنده و متناسب با اهداف و غایات طرح به نقد و بررسی گزارده شد.

بر این اساس، ملاحظه می‌گردد که مرحله دوم طرح شاهد جهد و تلاشی موازی و مکمل، جهت آماده‌سازی فهرستی از منابع مطالعاتی در زمینه مطالعات تمدنی بود که بر اساس کلیدهای جستجو جهت بررسی مفاهیمی همچون مفهوم تمدن و فلسفه تمدن‌ها، متفکران و نویسندگان حوزه مطالعات

تمدنی، تمدن اسلامی، فلسفه تاریخ و گفتگوی تمدن‌ها طراحی و تنظیم گردیده بود.

مرحله تدوین مطالعات (ژوئیه ۲۰۰۴ - شش ماه بعد)

مرحله نشست گروهی (سپتامبر ۲۰۰۴)

مرحله چهارم که در سپتامبر ۲۰۰۴م آغاز گردید، در حقیقت شامل یک نشست گروهی میان کلیه کارشناسان پروژه (به استثنای دکتر رقیه علوانی، دکتر حسن وجیه و دکتر سیف الدین عبدالفتاح) جهت ارائه مباحث و نقد و بررسی ساختار، مضمون و ثمرات پروژه بود. در این نشست که مدت سه روز به طول انجامید، مباحث عمیقی میان اعضای گروه مطالعاتی خصوصاً پیرامون پنج تحقیق مرتبط با منابع دینی، یهودیت، مسیحیت، اسلام و تعامل با دیگران رد و بدل گردید.

علاوه بر این، قرار بر این بود تا سه تحقیق مجزا پیرامون بعد تمدنی در رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، اندیشه سیاسی و نظام‌های تطبیقی نیز ارائه گردد، اما با متأسفانه آقایان دکتر «عبدالغفار رشاد» و دکتر «مصطفی منجود» به دلایل خاصی موفق به ارائه مباحث خود در زمینه نظام‌های تطبیقی و اندیشه سیاسی نشدند.

مرحله ساختار نهایی مطالعات (تابستان ۲۰۰۵)

این مرحله که هدف از آن تدوین ساختار نهایی مطالعات تعیین گردیده بود؛ در حدود شش ماه به طول انجامید و در تابستان ۲۰۰۵م پایان یافت. در نهایت نیز عملیات نگارش و تجدیدنظر علمی و فنی پروژه در خلال ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۵م به اتمام رسید.

گرچه نگارش وقایع مورد بررسی در مراحل دوم و چهارم بصورت مشروح از حوصله این بحث خارج است، اما اجمالاً می‌توان اظهار نمود:

مجموعه مباحث از تراکم نوعی ویژه‌ای - حداقل در محدود علم ما در اداره نشر عربی - در حوزه مطالعات تمدنی برخوردار بود و به‌رغم امکان همپوشانی معرفتی، فکری و روش‌شناختی با دیگر مطالعات موجود در این زمینه (به دلیل بهره‌گیری از قواعد روش‌شناختی عام) و نیز امکان همپوشانی در انگیزه‌های پروژه؛ می‌توان ادعا نمود که پروژه مذکور به منبعی ضروری جهت استفاده در برنامه گفتگوی تمدن‌ها مطرح گردید.

باید اعتراف کرد که اجراء آمادگی برای انتشار و در نهایت توافق جهت انتشار این پروژه بیش از موعد مقرر زمان به خود اختصاص داد؛ با این وجود، محصولات فکری و معرفتی پروژه برنامه گفتگوی تمدن‌ها انعکاس دهنده فعالیت‌های این برنامه و مطالعات آن در زمینه مفهوم تمدنی، گفتگو پیرامون منازعه تمدن‌ها در سایه محبت جهانی‌شدن، ویژگی فرهنگ، زبان و هویت و گفتگوی تمدن‌ها، خط فکری و تجربه‌ها در گفتگوی تمدن‌ها، ارتباط میان دین و مدنیت و سیاست، امت و بحران فرهنگ و توسعه، اروپا و مدیریت گفتگوی فرهنگ‌های اروپا - مدیترانه، دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا در قبال جهان اسلام و ...!

بدون شک بررسی ارتباط میان دین، فرهنگ و تمدن از منظر الگوهای معرفتی مخالف، به مثابه گام نخست در راه فهم و ادراک ابزارها، خط فکری و مباحث مربوط به گفتگو/ منازعه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و در مرکز آن ارتباط میان عرب و جهان اسلام خواهد بود.

از سوی دیگر، پروژه مطالعاتی و تحقیقاتی حاضر در حقیقت حلقه‌ای از سلسله حلقه‌هایی است که نیازمند تکمیل و بررسی نظری بیشتری در این زمینه خواهد بود. علاوه بر این، برنامه گفتگوی تمدن‌ها در تلاش برای طراحی پروژه دیگری تحت عنوان «برنامه مطالعات تمدنی و گفتگوی

تمدن‌ها» است، که در راستای تحلیل مقوله فرهنگ و طی یک پروژه علمی پنج مرحله‌ای در سال (۲۰۰۷م) آغاز به فعالیت خواهد نمود.

در پایان لازم می‌دانم تا از کلیه اساتیدی که ما را در این مراحل مختلف این پروژه با نظرات و همکاری خود یاری فرمودند، کمال تشکر و قدردانی را به جا آورده و مراتب احترام خود را به ایشان ابلاغ نمایم. همچنین از عزیرانی که تلاشی مضاعف در اتمام این پروژه بر عهده داشتند بصورت اختصاصی قدردانی نمایم، از جمله دکتر «جابر علوانی» رئیس دانشگاه علوم اسلامی و اجتماعی ایالت ویرجینیا، به جهت اعطای کمک‌های مادی و معنوی ایشان بر اساس پروتکل همکاری میان دانشگاه ویرجینیا و برنامه گفتگوی تمدن‌ها.

همچنین تشکر می‌کنم از آقای «مدحت ماهر» کارشناس و دانشجوی علوم سیاسی، به منظور نگارش تحقیقات، همکاری علمی و فنی با اساتید و ارائه ساختارهای نهایی برای تحقیقات آنها و خانم دکتر «علیاء وجدی» مدیر فنی، اداری و مالی برنامه گفتگوی تمدن‌ها در مواحل مختلف آن.

در آخر نیز واجب می‌دانم تا از تلاش‌های بی‌وقفه استاد «عدنان سالم» مدیر انتشارات «دارالفکر» دمشق به دلیل چاپ و نشر این پروژه عظیم صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. بدیهی است که پروژه‌ای با چنین مختصات فکری، تنها لایق اهتمام موسسه‌ای با افق دید روشن است. لازم به ذکر است که پروسه مقدماتی چاپ و نشر کتب در حدود شش ماه به طول انجامید؛ ماحصل این توافق در نهایت انتشار یافته‌های پروژه در یک مجموعه چند جلدی از کتب تمدنی با موضوعات مختلف است. تفکیک موضوعی مباحث در چندین جلد ابتکاری بود که از سوی مدیران برنامه گفتگوی تمدن‌ها به منظور تسهیل در امر مطالعه کتب اتخاذ شده است. با این فرض که مقدمه جامع پروژه و فهرست تفصیلی، به منظور ارتباط میان اجزای پروژه، در هر

یک از کتب تکرار شده است. به این ترتیب، می‌توان دیدگاهی - در میان دیدگاه‌های متعدد - از شباهت‌های نسبی میان بررسی‌های مطالعات تمدنی از منظر علوم سیاسی و غیر آن ارائه کرد.

و الحمد لله

دکتر نادیه محمود مصطفی

مدیر برنامه مطالعات تمدنی و گفتگوی فرهنگ‌ها

(گفتگوی تمدن‌های سابق)

قاهره، نوامبر ۲۰۰۷ م

یادداشت‌ها